



کارکرد شهرهای نی‌ریز، استهبان و گراش در توسعه اقتصادی فارس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۸

رحیمه شیروان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات، تهران shiravanr@yahoo.com (مسئول مکاتبات)
زهرا سادات (سعیده) زرابادی
استادیار شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
zarabadi@gmail.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: امروزه بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها، مخصوصاً در بعد اقتصادی، در کلان‌شهرها صورت می‌گیرد از آن جهت که عقیده عمومی بر آن است که سرمایه‌گذاری در کلان‌شهرها مقرون به صرفه است. این امر باعث توسعه تک بعدی در منطقه و فقط در یک شهر خاص می‌گردد که نتیجه آن افزایش نابرابری منطقه‌ای است و دیگر شهرهای منطقه از توسعه باز می‌مانند درحالی‌که شهرهای دیگر ممکن است دارای توان‌ها و پتانسیل‌های خوبی جهت توسعه اقتصادی باشند.

یکی از مهم‌ترین اهداف در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، کاهش نابرابری‌ها و توسعه منطقه با استفاده از توان‌های هر منطقه است. لازمه رسیدن به این امر توجه به شهرهای کوچک به عنوان راهبردی که باعث توسعه اقتصادی این شهرها و منطقه می‌گردد حائز اهمیت است.

این تحقیق با هدف مطالعه نقش شهرهای کوچک در توازن و توسعه منطقه‌ای، به مطالعه شهرهای کوچک استان فارس که بین ۲۵-۵۰ هزار نفر جمعیت دارند، می‌پردازد.

روش پژوهش: روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است که بر مبنای مؤلفه جمعیتی و به‌کارگیری مدل‌های کمی انجام شده است در پژوهش حاضر جهت بررسی نقشی که شهرهای کوچک در توسعه اقتصادی منطقه می‌توانند ایفا کنند از دو روش اقتصادی، ضریب مکانی و تغییر سهمی بهره گرفته شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهرهای کوچک استان فارس با توجه به پتانسیل‌ها و روش‌های انجام شده می‌توانند با ارائه کارکردهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی در بهبود شرایط اقتصادی خود و کل منطقه تأثیر گذار باشند. بر طبق هر دو روش این شهرها در بخش‌های مختلف توسعه دارای ضرایب رشد مثبتی در مقایسه با استان بوده‌اند. لازمه وارد شدن این شهرها در توسعه اقتصادی منطقه، دادن نقش اقتصادی به هر یک از این شهرها متناسب با پتانسیل‌های آن‌هاست؛ که این امر نیز به نوبه خود راهبردهای ویژه‌ای را می‌طلبد که باید با برنامه‌ریزی منظم و دقیق و با حمایت دولت در این شهرها صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: شهر کوچک، توسعه منطقه‌ای، اقتصاد، استان فارس

مقدمه

در سال‌های گذشته، عمده مباحث و مطالعات شهری و منطقه‌ای در جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بر ضرورت شناخت و تحلیل اهمیت نواحی متروپل، شهرهای بزرگ و بعضاً شهرهای جدید تاکید داشته است. بر این اساس که اصولاً شهرهای درجه دوم و سوم از لحاظ اقتصادی و بازگشت سود نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد. درحالی‌که یکی از ارکان توسعه (بر اساس برنامه چهارم توسعه عمرانی) یکپارچگی منطقه و رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی است. (موحد و مسعودی راد ۱۳۸۸، ۱۲۶)

در دو دهه اخیر، از جمله قدم‌های عملی برای رشد همراه با تعادل اقتصادی بین مناطق کشور و شهرها و روستاها، سرمایه‌گذاری صنعتی و کمک به واحدهای کوچک اقتصادی در شهرهای کوچک و روستاها می‌باشد؛ و در واقع صنایع بزرگی که با اقتصاد شهرهای بزرگ متناسب است، نمی‌تواند در شهرهای کوچک استقرار یابد. (مبین نعمتی ۱۳۷۰، ۷۸)

به هر حال هدف از ایجاد تحرک در شهرهای کوچک، دستیابی به توزیع موزون و هم‌آهنگ و نهایتاً توسعه متوازن منطقه‌ای است. (موحد و مسعودی راد ۱۳۸۸، ۱۲۷)

استان فارس نیز از جمله استان‌هایی است که رشد زیاد کلان‌شهر منطقه یعنی شهر شیراز مانع رشد شهرهای کوچک از لحاظ اقتصادی گردیده است. حال آنکه این شهرها به لحاظ اقتصادی دارای پتانسیل‌های فراوانی هستند و با برنامه‌ریزی هدایت شده و علمی می‌توانند در بلندمدت توسعه اقتصادی منطقه را به دنبال داشته باشند. به دلیل عدم سرمایه‌گذاری فکری و مالی در این شهرها تعداد این شهرها (۵۰-۲۵ هزار نفر جمعیت) چندان رشد نکرده‌اند. حال آن‌که توسعه پایدار و موزون یک منطقه نیازمند توسعه همه‌جانبه در همه قسمت‌های آن است.

بیان مسئله

دیدگاه عمومی در گذشته بر این عقیده استوار بود که شهرهای بزرگ به دلیل داشتن جمعیت لازم و... از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه برای سرمایه‌گذاری هستند و بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در کلان‌شهرها صورت می‌گرفت و توجه چندان به نقشی که شهرهای دیگر می‌توانند در امر توسعه اقتصادی در سطح منطقه داشته باشند نمی‌شد. مهاجرت در واقع نوعی واکنش به وضعیت

ناپهنجار اجتماعی و اقتصادی است و همواره این حرکت‌ها بر اثر تحریکات داخلی و خارجی ادامه می‌یابد. (کردوانی و نیکو ۱۳۸۵، ۱۳۲) چون بسیاری از افراد سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک و توسعه این شهرها را مقرون به صرفه نمی‌دانند. حال آن‌که این شهرها دارای پتانسیل‌هایی هستند که اگر به صورت هدفمند روی آن‌ها سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی شود، می‌توانند در توسعه خود و منطقه موثر باشند.

در ایران در نیم قرن اخیر توسعه سرمایه‌گذاری در چارچوب اقتصاد متکی به نفت سبب رکود بخش کشاورزی و رشد شهری شده است. حاصل این پوشش از میان رفتن نقش شهرهای کوچک و تمرکز اکثر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و مراکز تصمیم‌گیری در شهرهای بزرگ است. (ضرابی و موسوی ۱۳۸۶، ۳)

امروزه بعد از گذشت دو دهه، توجه دوباره‌ای به نقش شهرهای کوچک و میانی در توسعه اقتصاد منطقه‌ای (و نقشی که آن‌ها می‌توانند در الگوهای توسعه فضایی برای کاهش فقر و توسعه عادلانه داشته باشند) صورت گرفته است. این رویکرد، بنا بر تحولات اقتصادی-سیاسی و نیز در واکنش به نتایج ناخوشایند رویکردهای از بالا به پایین و اقتصاد کلان که به سبب چشم‌پوشی از سطوح پایین‌تر سیستم‌های فضایی در دستیابی به توسعه شکست خورد، صورت گرفته است. (موحد و مسعودی راد ۱۳۸۸، ۱۲۶)

رودل توسعه شهرهای کوچک و متوسط را روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد. (ضرابی و موسوی ۱۳۸۶، ۵)

استان فارس از جمله استان‌های پهناور کشور است که در نقاط مختلف دارای توان‌ها و پتانسیل‌های مختلف است که هنوز بسیاری از توان‌هایی که در شهرهای کوچک است به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته و همین امر باعث عقب‌افتادگی شهرهای کوچک این منطقه و نرسیدن آن‌ها به رشد اقتصادی واقعی و نداشتن نقش موثر در توسعه اقتصادی منطقه شده است. درحالی‌که اگر این شهرها به لحاظ تعداد، جمعیت و همچنین سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مورد توجه واقع شوند می‌توانند در رشد اقتصاد منطقه فارس در بخش‌های مختلف با توجه به پتانسیل‌هایشان موثر باشند.

در کنار آن از دهه ۱۹۵۰ به بعد نرخ رشد جمعیت شهرهای یک صد و بیست هزار نفری به بالا، تنزل چشمگیری داشته است.

ساکنان اکثر شهرهای کوچک از منافع اقتصادی حاصل در کشورهای کم رشد، سودی نمی‌برند و اغلب آن‌ها به واسطه ناچیز بودن سهم سرمایه‌گذاری‌های ملی در زمینه تأسیسات زیربنایی، خدمات، صنعت و غیره تنها تعداد معدودی از مهاجران روستایی را جذب کرده‌اند. همچنین نقش آن‌ها به عنوان تسهیل‌کننده توسعه صنعتی متکی بر حوزه‌های شهری، ضعیف بوده است. (نظری مقدم ۱۳۸۹، ۳۵)

سایر تجارب و نتایج این رویکرد در دهه‌های پایانی قرن بیستم که از طرف کشورها و مجامع مختلف عنوان شد به شرح زیر قابل تبیین است:

- تأکید بر عدم تجانس شهرهای کوچک و متوسط با شهرهای بزرگ.
- نقش مهم و کلیدی این شهرها در کنترل اداری سیاسی منطقه.
- روابط قوی و عمیق بین کشاورزی و توسعه روستایی با توسعه مراکز کوچک شهری.
- تأثیر قدرتمند سیستم جدید حمل‌ونقل بر توسعه مراکز کوچک شهری.
- اهمیت شناخت چگونگی تأثیر نیروهای جهانی بر اقتصاد مراکز شهری کوچک و متوسط.
- تنوع شرایطی که رشد صنعتی را در هر مرکز کوچک شهری تعیین می‌کند. (همائی فر ۱۳۸۸، ۲۲)

نتیجه کلی که از تجارب کشورهای مختلف به دست آمده، حاکی است که توسعه شهرهای کوچک و متوسط و تقویت آن‌ها، در واقع بخشی از رویکرد توسعه اقتصادی است که کمک به برقراری تعادل در شبکه شهری منطقه می‌نماید و سایر بررسی‌ها در آن به توسعه روستایی، پیوستگی و همسان‌سازی شهر و روستا و گسترش و بسط اقتصاد بازار برمی‌گردد. (صفری ۱۳۸۹، ۴۸)

دلایل توجه به شهرهای کوچک

یکی از اهداف مهم که به عنوان مهم‌ترین هدف در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است کاهش نابرابری‌های درون منطقه‌ای است برای رسیدن به این امر باید به همه قسمت‌های یک منطقه توجه و به آن‌ها متناسب با ظرفیت‌ها و توان‌ها و محدودیت‌هایشان نقش داد تا همه قسمت‌ها اعم از شهر و روستا و همچنین شهر کوچک و

بر همین اساس این پژوهش بر آن است به این سؤال پاسخ دهد که:

- آیا شهرهای کوچک در توسعه اقتصادی منطقه موثر هستند؟

روش پژوهش

در این تحقیق نوع پژوهش کاربردی و روش بررسی به صورت توصیفی-تحلیلی است برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مراجعه مستقیم به ادارات و سازمان‌های استان فارس و کشور و همچنین از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نوع تحلیل در این پژوهش کمی است و از روش‌هایی که جهت بررسی نقش شهرهای کوچک در اقتصاد منطقه استفاده گردیده است شامل روش‌های ضریب مکانی و تغییر سهمی است که بر اساس داده‌های آماری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به بررسی این روش‌ها پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

ایده و موضوع مطالعه تأثیر کارکردی شهرها یا نقاط شهری کوچک در سطح منطقه‌ای و محلی برای نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ با بحث کار جانسون آغاز شد و با مبحث «مرکز توسعه روستایی» فانل در ۱۹۷۶ ادامه یافت. (ضرابی و موسوی ۱۳۸۶، ۵)

جانسون در کتاب خود، با عنوان «سازمان فضا در کشورهای در حال توسعه» با استفاده از نظریه‌های توسعه منطقه‌ای، هدف از برنامه‌ریزی منطقه‌ای را سیاست‌گذاری فضایی، برای دستیابی به توسعه می‌دانست. (فنی ۱۳۸۸، ۳۱)

این دو محقق برای آزمون این کارکردها در اوایل ۱۹۸۰ پروژه‌ای را در سازمان توسعه بین‌المللی شروع کردند که در کشورهای مختلف تجربه شد و هدف آن کمک به تقلیل فقر روستایی و افزایش تولید و درآمد روستاییان از طریق کارکردها و خدمات شهری (به طور عمده از سوی شهرهای کوچک مجاور)، به مناطق روستایی بود. (صفری ۱۳۸۹، ۴۶)

در سال ۱۹۸۲ کارشناسان کشورهای مختلف در ناگویای ژاپن در خصوص نقش شهرهای کوچک و متوسط به بحث و تبادل نظر پرداختند. از جمله نتایج این بحث و گفت‌وگوها آن است که:

سهم اصلی رشد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه از آن شهرهای یک صد هزار نفری و بالا تر است.

«مراکز رشد روستایی» در روند رشد روستاها بر عهده داشته و خدماتی در زمینه ایجاد بازار، تأمین نهادهای کشاورزی، مانند کود و ماشین‌آلات کشاورزی، خدمات شهری همچون امکانات آموزشی و تحصیل، مراقبت‌های پزشکی و مانند آن را برای حوزه روستایی خود فراهم می‌آورند (امچکی ۱۳۸۳، ۱۰۰).

- با توجه به اینکه در کشور ایران منابع مختلف در نقاط مختلف و به صورت پراکنده وجود دارد متناسب با این امر جمعیت نیز باید پراکنده باشد تا هم صرفه‌جویی در هزینه‌های اقتصادی گردد و هم مانع تجمع جمعیت در نقاطی شود که فاقد منابع هستند و فقط مصرف‌کننده هستند و استفاده بهینه از همه نقاط سرزمین به عمل آید.

- از آن جا که در اکثر نقاط کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران بین شهر اول منطقه و دیگر شهرها به لحاظ جمعیتی تفاوت بیشتر از حد نرمال است که این امر ناشی از تمرکزهای اقتصادی و جمعیتی در کلان‌شهرهاست توسعه اقتصادی این شهرها می‌تواند کمکی به ایجاد تعادل در شبکه شهری منطقه به حساب آید.

- حل مسئله بی‌تعدالی در نظام توزیع جمعیتی در سطح ملی و منطقه‌ای که در واقع منشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی است، به یک برنامه جامع نظام اسکان جمعیت و آمایش سرزمینی در سطح ملی و منطقه‌ای نیاز دارد. عنصر و عامل کلیدی در اجرای برنامه جامع اسکان جمعیت و آمایش سرزمینی ایجاد تعادل و توازن بین قابلیت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی و اقتصادی منطقه‌ای و ظرفیت‌های جمعیتی است؛ که در این قضیه توجه و حمایت بیشتر از شهرهای کوچک را می‌طلبد. (مشفق ۱۳۸۸، چکیده)

- توجه به شهرهای کوچک و سرمایه‌گذاری اقتصادی در آن‌ها کمک به توسعه پایدار منطقه‌ای نیز هست چون باری که ناشی از تجمع بر گردن کلان‌شهر است از آن کاسته می‌شود و از منابع با توجه به جمعیت استفاده می‌شود، درحالی‌که در کلان‌شهرها، منابع کم و جمعیت بسیار فراتر از منابع است.

- توسعه شهرهای کوچک می‌تواند کمک به پایداری و از بین رفتن فرهنگ‌ها و هویت بومی منطقه باشد.

دادن نقش اقتصادی به این شهرها باعث توسعه این شهرها گردیده که این امر کاهش مهاجرت را به دنبال دارد؛ که این امر هم باعث توسعه اقتصادی منطقه از طریق توسعه اقتصادی این شهرها و جذب جمعیت و

بزرگ و... در توسعه منطقه به صورت متوازن موثر باشند توجه و تمرکز امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها در یک نقطه خاص (کلان‌شهرها) باعث تشدید نابرابری‌های درون منطقه‌ای و عدم استفاده بهینه از تمام ظرفیت‌های سرزمین می‌گردد توجه به شهرهای کوچک به عنوان راهبردی که می‌تواند در توسعه اقتصادی، فضایی، اجتماعی و... موثر باشد به همراه دلایل زیر حائز اهمیت است:

- شکست مکانیزم انتشار تدریجی رشد از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک، رشدی که یک‌بار فقط در چند شهر بزرگ تمرکز یافت، بیشتر تمایل به تداوم خود دارد نه آنکه به مراکز شهری کوچک‌تر نفوذ یابد. یکی از علل وزنه دار شدن شهرهای کوچک در برنامه‌های منطقه‌ای و ملی، تغییر جهت و گرایش سیاست‌های بلندمدت به سوی تمرکززدایی نامطلوب صنایع، خدمات و ادارات دولتی در یک یا دو مرکز شهری است. طرح‌های دقیق و سنجیده شهرهای کوچک می‌توانند در طول زمان، به طور عمقی بر توزیع فضایی توسعه در داخل یک سیستم شهری اثر گذارند. (نظری مقدم ۱۳۸۹، ۲۷)

- دلیل دیگر در تأیید و تأکید بر طرح تقویت شهرهای کوچک در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، نقش سیاسی آن‌هاست. سطوح پایین و مراکز منطقه‌ای دولتی، معمولاً در مراکز شهری کوچک و متوسط قرار گرفته‌اند از طریق چنین مراکزی، نیازها و خواسته‌های جمعیت منطقه بایستی کانالیزه شود تا بر سیاست‌ها و اختصاص منابع در سطوح بالاتر، تأثیر گذارند. اگر نیرو و امکانات دولتی بسیار متمرکز باشد، این مراکز، از نقش سیاسی‌شان به عنوان مکان‌های انتقال‌دهنده تقاضاهای محلی، محروم خواهند شد و لذا در حل و فصل و رفع مسائل و نیازهای توسعه محلی، تضعیف و کم‌بینه می‌گردند.

البته ممکن است در همه کشورهای جهان سومی، این دلایل مناسبت و مطابقت نداشته باشند و هر یک از آن‌ها فقط در یک کشور تشخیص داده شود یا مورد ارزیابی قرار گیرد... (همان منبع)

- شهرهای کوچک، رابطه سازمان‌یافته شهر و روستا را حفظ می‌کنند و عوامل و شرایط لازم برای توسعه را به سهولت به حوزه‌های نفوذ روستایی انتقال می‌دهند و موجب ایجاد پیوندهای فضایی میان فعالیت‌های کشاورزی و بازارهای مصرف، توسعه ظرفیت‌ها، ارائه خدمات و توانمندسازی روستاییان می‌شوند (Douglass 1998, 11). شهرهای کوچک نقش بسیار مهمی به عنوان

یک تولیدکننده مواد اولیه (عمدتاً کشاورزی) باقی می‌ماند، گرایش عمومی نرخ مبادله بین مناطق به طور کلی به نفع مرکز ادامه خواهد یافت. (پاپلی یزدی و سناجردی ۱۳۸۲، ۲۰۳)

در دهه ۹۰، توسعه روستا شهری آشکارا با راهبردی که بر رشد شهرهای کوچک و متوسط و مراکز داد و ستد متمرکز است، جایگزین شده است. (نوری ۱۳۷۲) راندنیلی از پایه‌گذاران اصلی این راهبرد است، که مبنای عملکرد شهرهای مرتبه دوم را عمدتاً تدارک خدمات، برخی صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع کوچک و نیز خدمات حمل‌ونقل تعریف کرده است. تعیین شهرهای کوچک و مراکز داد و ستد نیز عمدتاً مبتنی بر اندیشه کریستالر از سلسله مراتب مکان‌های مرکزی است، مکان‌هایی که کالاها و خدمات را به مناطق اطراف خود عرضه می‌دارند. (پاپلی یزدی و سناجردی ۱۳۸۲، ۲۱۷)

عدم موفقیت این استراتژیها در ایجاد تعادل و توسعه موزون منطقه‌ای موجب ایجاد نگرش سیستمی و یکپارچه به توسعه منطقه‌ای شد. ایده اصلی این موضوع اولین بار با کار جانسون در دهه ۱۹۷۰ و فانل در ۱۹۷۶ آغاز گردید. (ضرابی و موسوی ۱۳۸۶، ۴)

روند توسعه شهرهای کوچک و متوسط را روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد. (همان منبع)

شهرهای کوچک

موضوع اندازه شهرها از دیرباز مورد توجه بوده و می‌توان در نوشته‌های فلاسفه‌ای چون افلاطون و ارسطو نیز آن را مشاهده کرد. افلاطون در کتاب «جمهوریت خود اندازه بهینه شهر شایگان یا آرمان شهر را پنج هزار و چهل نفر بیان می‌کند و بر این باور است که اگر جمعیت آن شهر از این آستانه فراتر رود، امکان اجتماع همگانی و تصمیم‌گیری برای مداخله مردم در سرنوشت خویش و اداره مناسب شهرو وجود نداشته یا از آن‌ها سلب می‌شود. (رضوانی ۱۳۸۶، ۴۵)

شهر کوچک یک مفهوم نسبی است. این مفهوم به درجه شهرنشینی، سطح توسعه یافتگی و ساختار اقتصادی یک کشور بستگی دارد؛ و به تبع آن در داخل یک کشور از منطقه‌ای به منطقه دیگر تعریف شهر کوچک متغیر است. سازمان ملل برای تشخیص شهرهای کوچک از سایر شهرها فاکتور جمعیتی را بکار می‌برد

ماندگاری جمعیت آن‌ها صورت می‌پذیرد که در نهایت توسعه اقتصادی این شهرها از طریق صنایع پیشرو در آن‌ها کمک به کاهش عدم تعادل‌های فضایی از طریق کاهش تمرکزگرایی در کلان‌شهرها و نخست شهری صورت می‌پذیرد.

دیدگاه‌های نظری مرتبط با موضوع تحقیق

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای مختلف جهان به سرعت در پی بازسازی اقتصاد خود برآمده و رشد اقتصادی مهم‌ترین دغدغه این کشورها شد؛ اما پس از گذشت چند دهه مشخص شد که رشد اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند باعث بهبود وضعیت اقتصادی در پهنه کشور و بین طبقات مختلف اجتماعی شود. از این رو پارادایم توسعه اقتصادی مطرح شد؛ اما آنچه که بستر لازم برای این فرایند را فراهم می‌کرد پدیده‌ای به نام کلان‌شهر بود. با گذشت زمان می‌توان دید که این کلان‌شهرها جنبه‌های منفی بسیاری نیز داشته‌اند و همان قدر که به تولید ثروت و رفاه برای افراد پرداخته‌اند (دستگردی، والا و صیامی ۱۳۹۰، ۱۴۵) باعث تعادل‌هایی در سطح مناطق و کشور نیز گردیده‌اند و به عنوان مکان‌هایی که بیش‌ترین امکانات و بودجه‌ها و توجهات را در خود ذخیره کرده‌اند، مانع توسعه دیگر نقاط و در نتیجه ایجاد عدم تعادل و توسعه اقتصادی متوازن در سطح منطقه می‌گردند چون با لطبع بازگشت بیش‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها همان طور که در این شهرها است بازگشت سود این سرمایه‌ها نیز فقط به آن‌ها اختصاص دارد در نتیجه روز به روز بر رشد اقتصادی آن‌ها افزوده می‌شود بدون این که دیگر سطوح منطقه بهره‌ای از آن ببرند.

از جمله دیدگاه‌های نظری اولیه در ارتباط با توسعه منطقه‌ای می‌توان نظریه قطب رشد را بیان کرد. در این تئوری بر سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری تاکید می‌شود. (شکویی ۱۳۸۳، ۳۱۲) در این راهبرد به شهرها اولویت داده می‌شود تا توسعه اجتماعی-اقتصادی شهرها (مخصوصاً کلان‌شهرها) موجب توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاها شود و شهرها طی سازوکار موسوم به «گسترش تولید کشاورزی نواحی مجاور خود را تحرک بخشند. (پاپلی یزدی و سناجردی ۱۳۸۲، ۲۰۳) جان فریدمن معتقد است ادامه این روند را موجب یک رابطه استعماری و ساختار قطبی شده می‌داند که باعث جابجایی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز می‌گردد. تا موقعی که پیرامون به صورت

ورقم یک صد هزار نفری را پیشنهاد می‌کند. (زبردست ۱۳۸۳، ۷)

از دو جنبه می‌توان به انواع شهرها پرداخت: یکی از بعد کارکردی (فعالیت و نقش) و دیگر از بعد اندازه (کوچک و بزرگ بودن). از بعد اندازه دسته بندیهای مختلفی شده است که بهترین دسته بندی بر اساس ارقام، دسته بندی است که شهرهای کوچک را بعد از شهرهای متوسط و با اندازه جمعیتی ۵۰-۲۵ هزار نفر جمعیت در نظر می‌گیرد. (زبردست ۱۳۸۳، ۷)

تعریف سکونتگاهها با توجه به تنوع موجود در ویژگی‌های شهرها متنوع می‌باشد. ولی در حالت کلی شهرهای بین ۵۰-۲۵ هزار نفر جمعیت به عنوان شهر کوچک مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. (فنی ۱۳۸۸، ۱۴)

شهرهای کوچک برای اینکه بتوانند نقش خود را در توسعه منطقه‌ای انجام دهند باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

۱- شهر کوچک باید در منطقه کشاورزی واقع شود و عملکرد و فعالیت شهر کوچک بایستی در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی باشد؛

۲- اغلب صنایع تبدیلی و کوچک مقیاس در آن واقع شود؛

۳- جمعیت شهر کوچک بین ۲۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد؛

۴- شهر کوچک به خاطر اینکه در آخرین سطح جمعیتی شبکه شهری واقع شده است باید بتواند نقطه ارتباط شهرهای کوچک با مناطق روستایی خود باشد. (همانی فر ۱۳۸۸، ۴۲)

محدوده مورد مطالعه

استان فارس از استان‌های جنوبی کشور است که به دلیل داشتن آب و هوا، خاک مناسب، معادن و منابع زیرزمینی از توان‌های مطلوبی برخوردار است و می‌تواند در آینده به صورت یکی از استان‌های توسعه‌یافته‌ی کشور محسوب شود در حالی که تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در مرکز استان (شیراز) باعث دور افتادن دیگر نقاط مخصوصاً شهرهای کوچک از فرایند توسعه اقتصادی شده است. به رغم اینکه این شهرها دارای پتانسیل‌های منحصری در زمینه رشد اقتصادی هستند و با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان از این پتانسیل‌ها هم جهت توسعه این شهرها و منطقه استفاده کرد و هم از عدم تعادل‌ها در سطح منطقه کاست، ولی هنوز این شهرها به لحاظ‌های مختلف دارای عقب‌افتادگی زیادی هستند. این

شهرها می‌توانند در توسعه منطقه در بعضی از بخش‌ها حتی رشد بیشتری نسبت به مرکز استان داشته باشند؛ که در طرح‌های مختلف استانی مانند طرح ناحیه شرق و سند بلندمدت توسعه استان، توسعه همه جانبه در این شهرها را با توجه به توان‌ها و محدودیت‌های این شهرها مدنظر قرار داده است.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری که در سال ۱۳۹۰ صورت گرفت این استان به ۲۹ شهرستان، ۹۴ شهر، ۸۳ بخش، ۲۰۴ دهستان تقسیم گردید. شهرهای کوچک مورد بررسی در این پژوهش شهرهایی است که بین ۵۰-۲۵ هزار نفر جمعیت دارند که بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ سه شهر نی‌ریز، استهبان و گراش را شامل می‌گردد که دارای توان‌ها و پتانسیل‌هایی جهت توسعه اقتصادی خود و منطقه هستند که از این جهت می‌توان با تاکید بر پتانسیل‌های آن‌ها در جهت توسعه این شهرها و منطقه گام نهاد.

یافته‌های پژوهش

گفته شد که جهت بررسی‌های اقتصادی از دو روش ضریب مکانی و تغییر سهمی استفاده گردیده که در این قسمت از آمارهای مرکز آمار کشور استفاده گردیده است. توضیح هر روش و نتایج حاصل به همراه تحلیل‌های آن در زیر آورده شده است.

ضریب مکانی

در این روش پایه اقتصادی شهر به معنای بخش اصلی اقتصاد یک شهر شناسایی شده و سهم آن در کل تولید و اشتغال شهر بررسی و مطالعه می‌شود. روش تحلیل پایه اقتصادی شهر، نیازمند انجام برآورد نهایی از میزان تولید و یا اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی شهر است. (زیاری ۱۳۸۸، ۱۷۷) جهت بررسی بیشتر، ضریب مکانی در دو دهه ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ محاسبه و مورد بررسی قرار گرفته است.

$$L_i = \frac{ni:nt}{Ni:Nt} = \frac{\text{اشتغال کل شهر } i \text{ اشتغال شهر در بخش } i}{\text{اشتغال کل استان } i \text{ اشتغال استان در بخش } i}$$

اشتغال مورد انتظار است و بنابراین اشتغال مازاد بر مقدار مورد انتظار اشتغال پایه است. این مشاغل مازاد موجب تولید کالا و خدماتی می‌شود که مازاد بر نیاز محلی بوده و به سایر نقاط نیز صادر خواهد شد. لذا طبق تعریف این اشتغال مازاد، اشتغال پایه است.

در سال ۱۳۸۵ از سه شهر مورد مطالعه دو شهر دارای ضریب مکانی بیشتر از یک در بخش خدمات بوده‌اند که این امر بیانگر پتانسیل بالای این شهرها در این بخش از اقتصاد است؛ و در این قسمت نیز دارای فعالیت پایه در سطح منطقه هستند.

شهر گراش به دلیل آب و هوای گرم و خشک، کشاورزی در آن رونق چندانی ندارد و در هر دو دهه ضریب مکانی آن در بخش کشاورزی بسیار پایین است و در این بخش نقشی در اقتصاد منطقه نمی‌تواند داشته باشد. ولی از آن جا که در این شهر سرمایه‌های خصوصی، حمایت‌های مردم، توجه دولتمردان و سرمایه‌گذاران بومی را به این منطقه معطوف کرده و این سرزمین با وجود داشتن هوای گرم و خشک در زمینه صنعت در هر دو دهه ضریب بیشتر از یک را داشته است و می‌تواند با توجه به داشتن پتانسیل‌ها در این زمینه در سطح اقتصاد منطقه موثر باشد.

دو شهر نی ریز و گراش در زمینه توسعه اقتصادی خود و منطقه، تقریباً چشم‌انداز یکسانی را دارند. به دلیل عدم توجه جدی به بخش کشاورزی، این دو شهر ضریب مکانی پایینی را داشته و در سال‌های اخیر بیشتر در سطح شهرستان و نقاط روستایی آن کشاورزی به چشم می‌خورد حال آن که این دو شهر می‌توانند در زمینه صنایع وابسته به کشاورزی موفق باشند.

آن چه که به صورت امری مشترک بین دو شهر نی ریز و استهبان است فاصله گرفتن از بخش کشاورزی و افزایش شاغلین در بخش خدمات است؛ و در بخش خدمات پیشروی داشته و نسبت به سطح استان در این بخش رقابت می‌کند.

با وجود این که این شهرها دارای پتانسیل‌های خوب و بالایی در توسعه کشاورزی هستند، مخصوصاً دو شهر نی ریز و استهبان، اما نسبت به استان در ضریب مکانی دارای یک عقب‌افتادگی هستند که دلیل آن نیز می‌تواند توسعه این بخش به عنوان یک فعالیت روستایی در سطح شهرستان و بیشتر

جدول (۱): ضریب مکانی شهر گراش

شرح	کشاورزی	صنعت	خدمات	کل شاغلین
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
	شاغلین	شاغلین	شاغلین	شاغلین
استان فارس	۲۸۱۰۹۲	۳۳۸۰۷۹	۵۷۹۵۱۱	۱۱۹۸۶۸۲
شهر گراش	۲۶۱	۱۹۷۸	۱۷۰۵	۳۹۴۳
ضریب مکانی ۱۳۸۵	۰/۲۸۳	۱/۷۸	۰/۳۸۲	-
ضریب مکانی ۱۳۷۵	۰/۱۱۷	۱/۱۹۸	۱/۲۷۱	-

مآخذ: مرکز آمار کشور و محاسبات نگارنده

جدول (۲): ضریب مکانی شهر استهبان

شرح	کشاورزی	صنعت	خدمات	کل شاغلین
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
	شاغلین	شاغلین	شاغلین	شاغلین
استان فارس	۲۸۱۰۹۲	۳۳۸۰۷۹	۵۷۹۵۱۱	۱۱۹۸۶۸۲
شهر استهبان	۹۰۷	۱۵۶۱	۴۲۱۹	۶۶۸۷
ضریب مکانی ۱۳۸۵	۰/۵۸۱	۰/۸۲۸	۱/۳۰۶	-
ضریب مکانی ۱۳۷۵	۰/۲۶۳	۰/۸۰۱	۰/۶۸۸	-

مآخذ: مرکز آمار کشور و محاسبات نگارنده

جدول (۳): ضریب مکانی شهر نی ریز

شرح	کشاورزی	صنعت	خدمات	کل شاغلین
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
	شاغلین	شاغلین	شاغلین	شاغلین
استان فارس	۲۸۱۰۹۲	۳۳۸۰۷۹	۵۷۹۵۱۱	۱۱۹۸۶۸۲
شهر نی ریز	۱۲۶۳	۲۵۴۹	۵۴۳۰	۹۲۴۳
ضریب مکانی ۱۳۸۵	۰/۵۸۴	۰/۹۷۸	۱/۲۱۶	-
ضریب مکانی ۱۳۷۵	۰/۴۰۲	۱/۱۴۰	۱/۱۹۶	-

مآخذ: مرکز آمار کشور و محاسبات نگارنده

تحلیل داده‌ها از ضریب مکانی

بر اساس نتایج به دست آمده از ضریب مکانی در هر دو دهه ۷۵ و ۱۳۸۵ آن چه که به صورت امری مشترک در تمام شهرهای کوچک است بخش صنعت و خدمات به عنوان بخشی‌هایی است که بیش‌ترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند و در تمام شهرها مقدار آن از یک بیشتر یا بسیار نزدیک به یک است. این امر بیانگر تمرکز و تخصص نسبی فعالیت اقتصادی مزبور به لحاظ اشتغال در شهرهای مورد مطالعه نسبت به استان فارس است. از آن جا که ضریب مکانی بزرگ‌تر از یک است می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال محلی بیش از

جدول (۴): نتایج محاسبه تغییر سهم شهر گراش

گروه‌های عمده فعالیت	استان		شهر گراش		B	C	A+B+C	B+C	A+B
	۷۵	۸۵	۷۵	۸۵					
کشاورزی	۲۱۱۴۸۹	۲۸۱۰۹۲	۱۲۵	۲۶۱	-۰/۰۱۶۲	۰/۷۵۸	۱/۰۸۷۱	۰/۷۴۱۸	۰/۳۲۹۱
صنعت	۲۵۵۸۷۵	۳۳۸۰۷۹	۱۶۲۵	۱۹۷۸	-۰/۴۵۴۹	-۰/۱۰۴	-۰/۲۱۳	-۰/۱۵۵۸۹	-۰/۱۰۹
خدمات	۴۲۳۶۲۰	۵۷۹۵۱۱	۲۸۵۴	۱۷۰۵	۰/۳۴۵۳	۰/۰۲۶۹	-۰/۴۰۱۷	-۰/۷۴۳۱	/۰۳۶۸۳
جمع	۸۹۰۹۷۷	۱۱۹۸۶۸۲	۴۷۲۶	۳۹۴۳	-	-	-	-	-

مآخذ: مرکز آمار کشور و محاسبات نگارنده

در میان روستائیان باشد درحالی‌که افراد شهرهای کوچک به دلیل فاصله کم با روستاها می‌توانند در ایجاد اشتغال و توسعه کشاورزی موثر باشند. ضریب مکانی در امر کشاورزی در هر سه شهر مورد مطالعه کمتر از یک بوده است که حاکی از عدم رشد اقتصادی این بخش در این شهرها و در نتیجه توجه بیشتر به این بخش در جهت توسعه شهرهای کوچک و منطقه است.

روش تغییر سهم

یکی از مدل‌های رایج برای تحلیل و پیش‌بینی اشتغال «مدل تغییر سهم» است. در این مدل، مقیاس مرجع به استان فارس اطلاق می‌شود که شهرهای کوچک نسبت به آن سنجیده می‌شود. شکل کلی مدل به شرح زیر است:

$$E_{Li}^{85-75} = A + B + C \quad (۴)$$

نتایج محاسبات تغییر سهم

از آن جا که برای این روش باید میزان اشتغال هر شهر در بخش‌های مختلف موجود باشد نتایج بررسی برای هر شهر به صورت جدول جداگانه آمده است. در این قسمت اقتصاد مرجع استان فارس است.

برابر محاسبات انجام شده که در جدول (۴) ارائه شده است نرخ رشد کلی اقتصاد مرجع برابر ۳۴۵۳/۱۰ است. (A)

بخش کشاورزی در سطح استان افزایش اشتغال و در سطح محلی نیز افزایش اشتغال داشته است. ضریب رشد استان منفی اما ضریب رشد محلی (شهر گراش) مثبت است. این بخش برنده اقتصادی است. بخش صنعت در سطح استان افزایش اشتغال نداشته در سطح محلی نیز (B+C) کاهش اشتغال داشته است. ضرایب رشد استان (B) و شهر گراش (C) هر دو منفی است این بخش بازنده اقتصادی است.

بخش خدمات هم در سطح استان افزایش اشتغال داشته است ولی در سطح شهر افزایش اشتغال نداشته است. نرخ رشد استان مثبت و در سطح شهر منفی است. این بخش نیز بازنده اقتصادی است؛ و جمع (A+B+C) مثبت گردیده است.

عنصر A میزان کل اشتغال در اقتصاد مرجع (استان فارس) را طی یک دهه (۷۵ و ۸۵) نشان می‌دهد.

$$A = \frac{E_i^{85}}{E_i^{75}} - 1 \quad (۱)$$

عنصر B رشد یا نزول نسبی هر بخش اقتصاد را در کل اقتصاد مرجع (استان) اندازه‌گیری می‌کند. مثبت یا منفی بودن این شاخص به معنای صعود یا نزول آن بخش در کل اقتصاد کشور است.

$$B = \frac{E_i^{85}}{E_i^{75}} - \frac{E_R^{85}}{E_R^{75}} \quad (۲)$$

E_i : میان اشتغال در بخش I در اقتصاد مرجع (استان فارس) است.

عنصر B رشد یا نزول نسبی هر بخش اقتصاد را در کل اقتصاد مرجع (استان) اندازه‌گیری می‌کند. مثبت یا منفی بودن این شاخص به معنای صعود یا نزول آن بخش در کل اقتصاد کشور است.

$$C = \frac{E_{Li}^{85}}{E_{Li}^{75}} - \frac{E_{Ri}^{85}}{E_{Ri}^{75}} \quad (۳)$$

جدول (۵) نتایج محاسبه تغییر سهم شهر استهبان

گروه‌های عمده فعالیت	استان		شهر استهبان		A	B	C	A+B+C	B+C	A+B
	۸۵	۷۵	۸۵	۷۵						
کشاورزی	۲۱۱۴۸۹	۲۸۱۰۹۲	۴۶۰	۹۰۷	۰/۳۴۵۳	-۰/۰۱۶۲	۰/۶۴۲	۰/۹۷۱۱	۰/۶۲۵۸	۰/۳۲۹۱
صنعت	۲۵۵۸۷۵	۳۳۸۰۷۹	۱۶۹۲	۱۵۶۱	۰/۳۴۵۳	-۰/۴۵۴۹	-۰/۳۹۸	-۰/۵۰۷	-۰/۸۵۲۹	-۰/۱۰۹
خدمات	۴۲۳۶۲۰	۵۷۹۵۱۱	۵۰۷۱	۴۲۱۹	۰/۳۴۵۳	۰/۰۲۶۹	-۰/۵۳۶	-۰/۱۶۷۷	-۰/۵۰۹۱	۰/۳۶۸۳
جمع	۸۹۰۹۷۷	۱۱۹۸۶۸۲	۷۳۷۲	۶۶۸۷						

مأخذ: مرکز آمار کشور و محاسبات نگارنده

استان منفی و ضریب رشد شهر نی ریز نسبت به استان مثبت بوده است. این بخش نیز برنده اقتصادی است.

-در بخش خدمات در سطح استان افزایش اشتغال وجود داشته در حالی که در شهر نی ریز کاهش اشتغال نسبت به استان داشته است. ضریب نرخ رشد استان مثبت بوده است در حالی که این شهر نسبت به استان در این زمینه نرخ رشد منفی داشته است. این بخش بازنده اقتصادی است.

-برابر محاسبات صورت گرفته بخش کشاورزی در استان دارای رشد منفی در دهه مورد بررسی بوده است و شهرهای کوچک با وجود این که نرخ رشد بالایی در این زمینه بر اساس ضریب مکانی نداشتند اما نسبت به استان دارای نرخ رشد منفی نبوده‌اند.

-پیشروی بخش خدمات در استان در حدی است که شهرهای کوچک با وجود رشد در این زمینه در برابر استان نرخ رشد منفی داشتند.

-بخش صنعت به عنوان بخشی است که در بعضی از شهرهای کوچک دارای رشد مثبت نسبت به استان بوده‌اند؛ و بخشی است که در صورت برنامه‌ریزی برای آن، می‌تواند در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در سطح شهرهای کوچک و منطقه مناسب باشد. مخصوصاً که اکثر شهرهای کوچک استان دارای منابع زیرزمینی و زمین پهناور جهت توسعه این بخش هستند.

-بر اساس جدول (۵) در بخش کشاورزی هم در سطح استان و هم در سطح محلی افزایش اشتغال وجود داشته است اما نرخ رشد استان منفی و نرخ رشد شهر استهبان مثبت بوده است. این بخش برنده اقتصادی است.

-در بخش صنعت استان دارای کاهش و در سطح شهر نیز شاهد کاهش اشتغال بوده‌ایم در هر دو سطح استان و سطح شهر استهبان نرخ رشد منفی بوده است. این بخش بازنده اقتصادی است.

-در بخش خدمات در سطح استان افزایش اشتغال وجود داشته ولی در سطح شهر نسبت به استان کاهش اشتغال داشته‌ایم؛ و ضرایب رشد استان مثبت و سطح شهر منفی است. این بخش بازنده اقتصادی است.

-جدول (۶) نشانگر این قضیه است که در بخش کشاورزی هم در سطح استان و هم در سطح شهر افزایش اشتغال وجود داشته است اما ضریب رشد این بخش در سطح استان منفی و در سطح شهر نی ریز نسبت به استان مثبت بوده است. این بخش برنده اقتصادی است.

-بخش صنعت در سطح استان کاهش و در سطح شهر نی ریز افزایش اشتغال داشته است ولی ضریب رشد

جدول (۶) نتایج محاسبه تغییر سهم شهر نی ریز

گروه‌های عمده فعالیت	استان		شهر نی ریز		B	C	A+B+C	B+C	A+B
	۸۵	۷۵	۸۵	۷۵					
کشاورزی	۲۱۱۴۸۹	۲۸۱۰۹۲	۱۲۶۳	۸۵۰	۰/۳۴۵۳	۰/۱۵۶	۰/۴۸۵۱	۰/۱۳۹۸	۰/۳۲۹۱
صنعت	۲۵۵۸۷۵	۳۳۸۰۷۹	۲۹۱۸	۲۵۴۹	۰/۳۴۵۳	-۰/۴۵۴۹	-۰/۴۴۷	-۰/۰۰۷۹	-۰/۱۰۹
خدمات	۴۲۳۶۲۰	۵۷۹۵۱۱	۵۰۷۱	۵۴۳۰	۰/۳۴۵۳	۰/۰۲۶۹	-۰/۵۳۴	-۰/۱۶۵۷	۰/۳۶۸۳
جمع	۸۹۰۹۷۷	۱۱۹۸۶۸۲	۸۹۱۹	۹۲۴۳					

مأخذ: مرکز آمار کشور و محاسبات نگارنده

نتیجه‌گیری

از دهه ۱۹۷۰ توجه به نقش و جایگاه شهرهای کوچک و متوسط متداول شد اما در سال‌های بعد در کشورهای در حال توسعه که به میزان زیادی با مشکل الگوی نامتوازن شهرنشینی روبرو شدند توجه به این شهرها جهت حل مشکلاتی که در شهرهای بزرگ بود مورد توجه قرار گرفت. (filho,1985,518).

کلیه مواردی در بحث راجع به اهمیت این شهرها و نقش آن‌ها در توسعه منطقه‌ای عنوان گردید می‌تواند دلایل خوبی در اهمیت این شهرها و نقش آن‌ها در توسعه منطقه باشد.

رفع نابرابری‌ها و نابسامانی‌های درون منطقه‌ای جز از طریق توسعه درون‌زا، تکیه بر امکانات محلی، بهره‌گیری از منابع بالقوه و بالفعل و سمت دهی امکانات و استعدادها در مسیر صحیح برای ایجاد تعادل و توازن ممکن نیست و این به برنامه‌ریزی یکپارچه مبتنی بر تحلیل فضایی نیاز دارد.

دادن نقش اقتصادی به این شهرها باعث توسعه این شهرها گردیده که این امر کاهش مهاجرت را به دنبال دارد که کاهش مهاجرت می‌تواند کمک بزرگی به کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای بنماید؛ که این امر هم باعث توسعه اقتصادی منطقه از طریق توسعه اقتصادی این شهرها و جذب جمعیت و ماندگاری جمعیت آن‌ها صورت می‌پذیرد که در نهایت توسعه اقتصادی این شهرها از طریق صنایع پیشرو در آن‌ها کمک به کاهش عدم تعادل‌های فضایی از طریق کاهش تمرکزگرایی در کلان‌شهرها و نخست شهری صورت می‌پذیرد.

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند این شهرها را وارد اقتصاد منطقه کرده، توجه به پتانسیل‌های این شهرها و سرمایه‌گذاری در این شهرها در امور تولیدی و مخصوصاً ایجاد صنایعی که به زمین زیاد احتیاج داشته و در شهرها به دلیل قیمت بالای زمین مقرون به صرفه نبوده و یا ایجاد صنایع تبدیلی مرتبط با کشاورزی در شهرهای کوچکی که از لحاظ کشاورزی غنی بوده‌اند از جمله اموری است که می‌توان در این زمینه انجام داد.

مهم‌ترین نکته در ویژگی‌های اجتماعی یک شهر کوچک، ایجاد اشتغال و تنوع آن در شهر است. که متأسفانه اکثر شهرهای کوچک در ایران از لحاظ اشتغال مشکل دارند و سطح درآمد افراد پایین است از این رو تمایل بیشتری جهت مهاجرت به کلان‌شهرها در افراد این شهرک‌ها وجود دارد. نکته مهم در خصوص اشتغال در این شهرها وجود شغل‌های غیر پایدار و بی ثبات است

که بعضاً بسیاری از افراد در این شهرها شش ماه یا حتی بیشتر بدون شغل هستند و فقط یک فصل دارای اشتغال هستند. توسعه صنایع کوچک تبدیلی کشاورزی و دامی در شهرهای کوچک موجب تقویت آن‌ها و رابطه آن‌ها با روستاهای اطراف خود می‌گردد و کمکی در جهت ایجاد اشتغال آن‌هاست.

از نکات مهمی که در توسعه این شهرها باید مد نظر دولتمردان بیشتر قرار گیرد مشکلات مدیریتی در این شهرهاست.

اکثر افرادی که در این شهرها برای اداره امور انتخاب می‌شوند یا تجربه کافی نداشته و یا غیربومی هستند که این امر مانع درک صحیح مشکلات شهرها می‌گردد چون از شرایط و موقعیت‌های آن اطلاع کافی نداشته و زمانی که تسلط بر این امور و منطقه پیدا کرده، جایجا می‌شوند؛ و یا از مدیرانی که دارای تجربه و شناخت نسبت به این مناطق هستند در کلان‌شهرها استفاده می‌گردد و انگیزه مدیران رده بالا برای اداره امور و زندگی در شهرهای بزرگ بیشتر از این شهرهاست چون این شهرها دارای امکانات پایین برای سکونت و پیشرفت افراد تحصیل کرده و بعضاً سرمایه‌دار است.

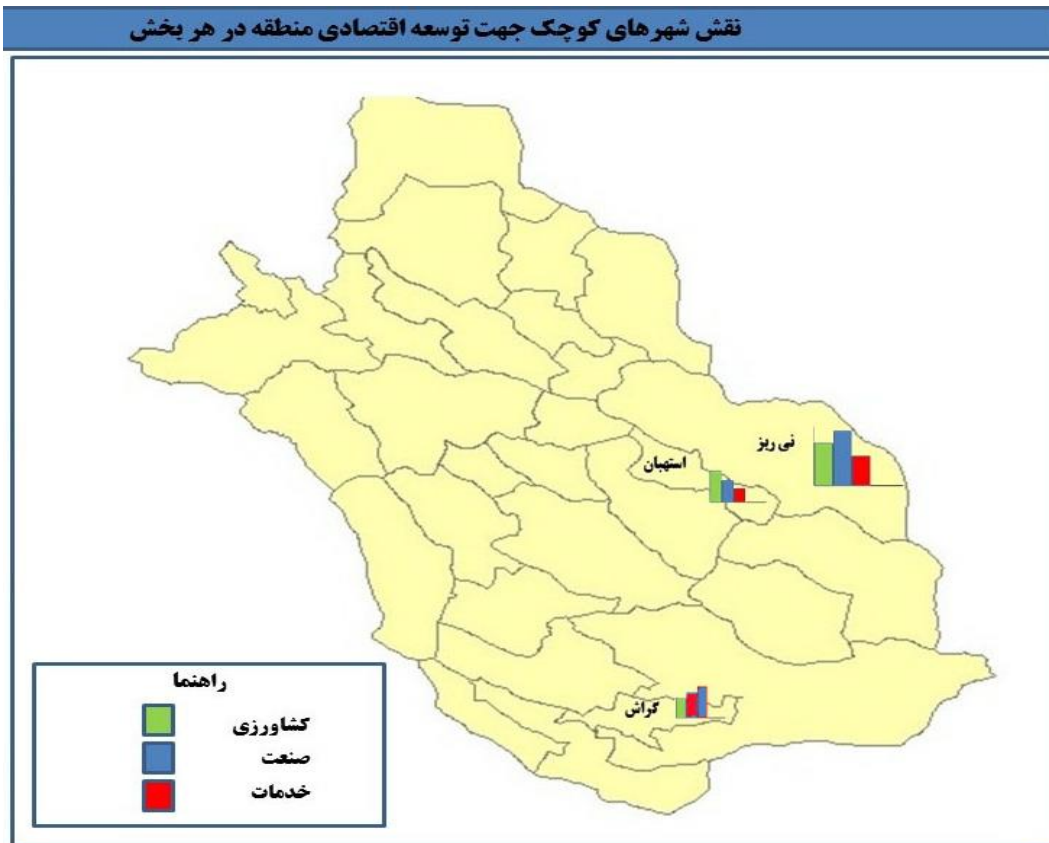
از نکات مهم در این بحث، فقدان مشارکت موثر مردم در طرح‌ها و برنامه‌هاست. این امر نیز از مسائلی است که مدیریت یک شهر باید بتواند نظر و اعتماد مردم را به خود جذب کرده و از نظرات موثر جهت پیشبرد اهداف استفاده کند درحالی که مردم نمی‌توانند هیچ مشارکتی در طرح‌هایی که برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود داشته باشند.

از دیگر مشکلات این شهرها، عدم توانایی در جهت توجیه و تخصیص منابع می‌باشد و عدم جذب بودجه‌های دولتی باعث عدم پیشرفت و توسعه این شهرها می‌گردد از آن جا که افراد ساکن در این شهرها دارای درآمد زیادی نیستند شهرداری و دیگر ارگان‌ها نیز نمی‌توانند از طریق دریافت مالیات و عوارض در جهت توسعه شهر گام بر دارند.

توجه به ضرورت دخالت دولت برای هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در جهت تخصیص عقلایی منابع به منظور کاهش نابرابری‌های فضایی و دستیابی به یک توسعه منسجم و یکپارچه از اهم نکات است. (Harrison&Todes,2001,65)

در کشورهای در حال توسعه اگر بخواهند توزیع متعادل تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی با ایجاد ظرفیت‌ها و افزایش در تعداد شهرهای

نقشه (۱): نقش شهرهای کوچک جهت توسعه اقتصادی منطقه در هر بخش



منبع: نتایج تحقیق

منابع و مآخذ

- ۱) امچکی، حمیده. (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آن‌ها در چارچوب توسعه ملی. مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی. تهران.
- ۲) پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی. (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: سمت
- ۳) همائی فر، محمد. (۱۳۸۸). نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۴) رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۶). نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی. هنرهای زیبا. شماره ۶۱.
- ۵) زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۳). اندازه شهر. چاپ اول. مرکز مطالعات و تحقیقات معماری ایران. تهران.
- ۶) زیاری، کرامت (۱۳۸۸). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. چاپ هفتم. تهران. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

کوچک و متوسط ایجاد نمایند، لزوماً تغییرات می‌بایست در توزیع استراتژیک سرمایه‌گذاری‌ها صورت پذیرد و اگر آن‌ها می‌بایست وضعیت ایده آل داشته باشند، چنین تغییراتی، بایستی بر باوری درست تر از دلایل اینکه چرا شهرهای کوچک و متوسط ظاهر شده‌اند و اینکه منافع ظرفیت‌های آن‌ها و تطور رشد آن‌ها چیست پایه‌گذاری کرد. (Rondinelly, 1990, 40)

با توجه به نتایج به دست آمده از روش‌های اقتصادی و همچنین با توجه با امکانات و محدودیت‌های این شهرها می‌توان گفت که هر یک از این شهرها می‌توانند در چه بخش‌هایی بر اساس اولویت، در اقتصاد منطقه و در توسعه خود موثر باشند؛ که در ذیل به صورت نقشه آورده شده است.

- اروپایی و امریکای لاتین. فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۲۷.
- ۷) سالنامه آماری. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
- ۸) شکویی، حسین. (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیایی شهری. جلد هشتم. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی. انتشارات سمت.
- ۹) صفری، امیرحسین. (۱۳۸۹). ارزیابی نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۰) فنی، زهره. (۱۳۸۸). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای. چاپ پنجم. آذرخش. تهران.
- ۱۱) کردوانی، پرویز و نیکو مصطفی. (تابستان ۱۳۸۵). رتبه‌بندی آبادی‌های بخش بیضا بر اساس توان جمعیتی، توان اقتصادی و دسترسی به منظور برنامه‌ریزی توسعه و بررسی مسائل و مشکلات روستاها به روش سریع (روش چمبرز)، پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۵۶.
- ۱۲) مبین نعمتی، حسن، (۱۳۷۰) مرداد و شهریور، نشریه اقتصاد: اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۴۷ و ۴۸.
- ۱۳) مرکز آمار ایران.
- ۱۴) مشفق، محمود. (۱۳۸۸). طرح تحقیقاتی. مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۱۵) موحد، علی و ماندانا مسعودی راد، (۱۳۸۸)، کارکرد شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای، مجله جغرافیا، دانشکده هنرهای زیبا، تهران.
- ۱۶) نظری مقدم، حیدر. (۱۳۸۹). نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی خمین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۷) نوری، شعله. (آبان ۱۳۷۲) برنامه‌ریزی فضایی، مروری بر سیستم‌های شهری و توسعه جهان سوم، ماهنامه سنبله، ش ۵۴.
- ۱۸) یگانگی دستگردی، وحید و بهنام والاوهانی صیامی. (۱۳۹۰ تابستان). بازبینی تأثیرات مثبت و تبعات منفی مناطق کلانشهری بر اقتصاد و محیط‌زیست جهان؛ نمونه‌های موردی: اتحادیه